

بررسی کنش‌های فراگفتاری در دو نوع متفاوت از فرامین قرآنی و شیوه برخورد مترجمان انگلیسی با آن^۱

سید علی اصغر سلطانی^{۱*}، مهدی مقدسی نیا^۲

۱- دانشیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه قم، ایران

پذیرش: ۹۵/۱۱/۲۰

دریافت: ۹۵/۱/۱۲

چکیده

این پژوهش درصدد تبیین تفاوت در استفاده معناسناسانه و کاربردشناسانه، بین دو دسته متفاوت از فرامین، در قرآن است: فرامینی که وجه امری دارند و فرامینی که وجه خبری دارند. این تحقیق توصیفی-تحلیلی، می‌کوشد با استفاده از نظریات زبان‌شناسی کاربردی و تحلیل گفتمان، به بررسی بافتی بپردازد که این دو دسته از فرامین در آن به کار رفته‌اند. نتایج این تحقیق که پیکره زبانی آن، آیات قرآنی است، نشان می‌دهد که از جملات و پاره‌گفتارهای امری و خبری برای صدور فرمان استفاده شده است؛ ولی به کارگیری هر کدام، استنباط خاصی را به دنبال دارد. اگر اشکال امری مربوط به دستورات فوری و شخصی باشد در نتیجه، کاربرد آن بیشتر در گفتگوهای بینافردی دیده می‌شود. شکل‌های خبری هنگامی استفاده می‌شود که گوینده قصد القای فرامینی را دارد که فاقد فوریت یا بعد شخصی است. ضمناً به کارگیری شکل‌های خبری برای بیان فرامین، نشان از اطمینان خاطر و دانشی دارد که گوینده نسبت به اجرای فرامین خویش دارد. در نتیجه، جملات خبری غالباً در بافت‌هایی دیده می‌شود که گوینده عالی‌مقام درصدد القای دستورات خویش است. بازخورد این موضوع در ترجمه نشان می‌دهد در دستوراتی-با ساختار خبری-مترجمان رویه‌های متفاوت داشته‌اند. در آن‌جایی که آیات، مربوط به احکام خاص فقهی است یا بروز مفهوم فرمان و دستور آشکار است، از افعال کمکی مانند shall استفاده شده است. در برخی از موارد نیز مفهوم فرمانی و دستوری از دید مترجمان پنهان مانده است.

واژگان کلیدی: وجه خبری، وجه امری، زبان‌شناسی قرآن، کنش‌های گفتاری، ترجمه قرآن

۱- مقدمه

مقوله دستوری وجهیت^۲، در کنار مقولات دیگری مانند زمان، شمار، حالت و غیره، یکی از ویژگی‌های افعال است که نشان می‌دهد گوینده در ارتباط با مخاطب خود نسبت به آن چه می‌گوید چه زاویه دیدی را اتخاذ کرده است. در واقع، وجه، نگرش گوینده به آن چه بیان می‌شود را نشان می‌دهد (Bussmann, 1996). اگر گوینده، خبری بخواهد بدهد از وجه خبری^۳، اگر دستوری بخواهد بدهد از وجه امری^۴ و اگر درباره وضعیتی فرضی و غیرواقعی بخواهد صحبت کند از وجه التزامی^۵ صحبت خواهد کرد. البته انواع وجه‌ها در زبان‌های مختلف متفاوت است.

موضوع اصلی این تحقیق، فرمان‌ها و دستورات قرآنی است که پایه فقه و به‌طور کلی تعاملات انسانی و اجتماعی مسلمانان قرار گرفته است. به‌طور معمول انتظار می‌رود فرمان‌های قرآنی‌ای که مبنای قانون‌گذاری قرار گرفته‌اند به شکل امری بیان شوند. اما به‌واقع چنین نیست؛ زیرا در قرآن از وجه خبری نیز برای ارائه فرمان‌ها استفاده مکرر شده است. در این پژوهش، دغدغه نگارندگان پاسخ به این پرسش است که چرا در برخی آیات قرآنی، برای القای دستورات از شکل امری و در برخی دیگر از آیات به‌همین منظور از شکل خبری استفاده شده است؟ آیا استفاده از هر کدام از این شکل‌ها، باعث به‌وجود آمدن استنباطی خاص می‌گردد؟ بازخورد این موضوع در ترجمه، به چه شکل می‌تواند باشد؟ بهترین روش، برای بررسی این پرسش‌ها، نظریه کنش‌گفتاری است. این نظریه در ابتدا توسط جان آستین، فیلسوف انگلیسی معرفی شد (Austin, 1962) و سپس به شکل عمده‌ای توسط جان سرل، فیلسوف آمریکایی بسط پیدا کرد (Searle, 1969). به‌طور کلی آستین معتقد است، از ما هنگام استفاده از زبان در حقیقت کارهایی را انجام می‌دهیم. این کارها شامل خبر دادن، دستور دادن، اعلان کردن، عذرخواهی کردن، تهدید کردن و مانند آن است. در دستور سنتی، ارتباط مستقیمی بین خبر، پرسش، امر و غیره و شکل صرفی فعل وجود دارد؛ از این رو تبیین این که از شکل خبری، کارکردهای دیگری منظور شود

مشکل است. اما در نظریه کنش‌های گفتاری این ارتباط بین شکل صرفی فعل و کنشی که از آن گزاره منظور می‌شود لزوماً ارتباط مستقیمی وجود ندارد. از این رو می‌تواند در راستای هدف این پژوهش به کار گرفته شود. در این مقاله، بعد از بررسی مفهوم کنش‌های گفتاری و انواع آن، نویسندگان بر آن شدند تا دلیل استفاده از هر کدام از این شکل‌ها را به کنکاش بگذارند.

۲- پیشینه تحقیق

پیشینه این تحقیق را می‌توان در چند بخش اصلی سامان داد. ابتدا به بررسی‌های سنتی‌ای که علمای اصول فقه در خصوص ساختار وجوه فعل انجام داده‌اند، اشاره‌ای خواهد شد. سپس، به برخی از پژوهش‌ها اشاره خواهد شد که سعی کرده‌اند از نظریه کنش‌های گفتار در پژوهش‌های معطوف به متون دینی بهره گیرند.

۲-۱- نگاه قدما به دو نوع متفاوت از فرامین

یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی که دانشمندان مسلمان اعم از زبان‌دانان، شعرا و نویسندگان به آن توجه داشته‌اند، قرآن کریم است که دلیل آن را نیز باید در اسرار زبانی، بلاغی و ادبی این کتاب جستجو کرد. شماری از علمای فقه اللغه و بلاغت در تأملات خویش در آیات قرآن با دیده تأمل به بسیاری از الفاظ و ساختارهایی می‌نگریستند که به جای همدیگر در قرآن به کار می‌رفت و در آن برخلاف مقتضای ظاهر عمل می‌شود و مقتضای حال متکلم و مخاطب یا دیگر عوامل مدنظر قرار می‌گرفت. کتاب‌های بسیاری درباره این موضوع به رشته نگارش درآمد که از آن جمله، می‌توان به کتاب ابن‌فارس (۱۹۶۳) اشاره کرد که در آن به مسئله خروج فعل از معنای حقیقی‌اش پرداخته و تأکید می‌شود که شواهد و قرائن می‌تواند ما را به سمت این موضوع رهنمون باشد. ابن‌جنی (۱۹۵۴: ۳۱۷) معتقد است که در

قرآن برخی عبارات امری وجود دارد که دلالت بر خبر می‌کنند و برخی عبارات خبری وجود دارند که دلالت بر امر می‌کنند.

علمای علم اصول، اولین دسته از دانشمندانی بودند که در زمینه‌ی برداشت مفهوم امر و نهی از جملات خبری نظریه‌پردازی کردند. برخی از علمای اصول، اعتقاد داشتند جملات خبری می‌توانند برای القای امر به کار روند. در این گروه افرادی، همچون ابن حزم (۱۹۸۰) جای می‌گیرند. وی به این نکته اشاره می‌کند که گهگاه برای القای مفهوم امر از صورت امری فعل و گاهی نیز از صورت‌های خبری استفاده می‌گردد (ابن حزم، ۱۹۸۰: ۳۳).

آن دسته از علمای اصول همچون زمخشری (۲۰۰۲: ۴۸۸)، زرکشی (۲۰۰۰: ۱۰۵) و سیوطی (۱۹۹۴: ۴۶۷) که قائل به چنین پدیده‌ی زبانی بودند، برای این که ثابت کنند که این جمله خبری، القاکننده یک دستور است به برخی نشانه‌های زبانی اشاره می‌کردند. به عنوان نمونه، زمخشری (۲۰۰۲: ۹۹) هنگامی که به عبارت ﴿تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ﴾ (صف/۱۱) می‌رسد، به فعل «یغفر» اشاره می‌کند که در ابتدای آیه ۱۲ و به صورت مجزوم آمده است و آن را به عنوان جواب آیه ۱۱ می‌داند. او برای اثبات این موضوع، به قرائت ابن مسعود اشاره می‌کند و می‌گوید که وی این آیه را به صورت ﴿آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجَاهِدُوا﴾ می‌خواند.

برخی از علمای اصول نیز قائل به کارکرد ساختار خبری برای القای دستور و فرمان نبودند و اعتقاد داشتند که باید حمل بر اصل کرد. از جمله این افراد می‌توان به کفوی (۱۹۹۸: ۴۱۸ - ۹۰۴)، شوکانی (۲۰۰۷: ۳۰۵) و قرطبی (۱۹۹۹: ۸۸) اشاره کرد.

به‌طورکل، دغدغه علمای اصول در برخورد با این پدیده زبانی این بود که آیا برداشت امر از جمله خبری قابل دریافت است؟ آن‌ها در تحلیل خود از به‌کارگیری جملات خبری برای القای دستورات شریعت بحث حقیقت و مجاز را پیش می‌کشیدند و سعی بر آن داشتند تا مسئله را از این زاویه بررسی نمایند. یکی از تحقیقاتی که به تفصیل، نگاه دانشمندان مسلمان نسبت به موضوع مذکور را معرفی کرده است و به اختلاف نظر آن‌ها

بررسی کنش‌های فراگفتاری در دو نوع متفاوت از فرامین قرآنی ... _____ سید علی‌اصغر سلطانی و مهدی مقدسی‌نیا

در این خصوص پرداخته، مقاله شاکر مجید (۲۰۰۸) است. وی ضمن برشمردن آرای دانشمندان مسلمان، رویکردی مشابه قدما در بررسی این پدیده دارد.

زبان‌دانان مسلمان در هنگام بحث درباره دلیل به‌کارگیری جملات خبری برای القای فرامین شریعت، صرفاً به ذکر این نکته بسنده می‌کردند که این پدیده دلالت بر وجوب امتثال و اطاعت از فرمان را دارد. (عطاری، بی‌تا: ۱۱۸) عده‌ای دیگر علاوه بر موضوع ضروری بودن اطاعت از فرمان صادرشده به شکل خبر، بر لزوم سرعت در اجرا نیز تأکید داشتند (سیوطی، ۲۰۰۳: ۷۷؛ زمخشری، ۲۰۰۲: ۳۶۵؛ زرکشی، ۱۹۵۷: ۳۵۱).

وجه تمایز این پژوهش با مطالعات گذشتگان در این است که نگارندگان با تکیه بر نظریات کاربردشناسی زبان - از جمله نظریه کنش‌های گفتاری - موضوع را بررسی کرده، بازنمود روابط قدرت را نیز به بحث گذارده‌اند؛ حال آن‌که اثری از این موضوع در آثار گذشتگان دیده نمی‌شود.

۲-۲ - مطالعات کنش‌های گفتاری در حوزه متون دینی

از جمله پژوهش‌هایی که با تکیه بر نظریه کنش‌های گفتاری به سراغ متون دینی رفته است، مقاله ساجدی (۱۳۸۱) است. وی در پژوهش خویش به اهمیت نظریه کنش گفتاری جان آستین در فهم زبان قرآن اشاره کرده، به تبیین کاربرد کنش‌های گفتاری گزاره‌های دینی، چندبعدی بودن گزاره‌های اخباری در دین، اهمیت ویژه بعد احساسی در گزاره‌های دینی، اشتباهات برخی دین‌شناسان غربی در غفلت از بعد اخباری گزاره‌های دینی و سرانجام واقع‌نمایی گزاره‌های اخباری و انشایی دینی با تکیه بر دیدگاه آستین می‌پردازد؛ اما متأسفانه، ساجدی صرفاً به ارائه توضیحات کلی درباره نظریه کنش‌های گفتاری بسنده کرده، در عمل چندان با استفاده از آن به مطالعه قرآن نمی‌پردازد.

بررسی کنش‌های گفتاری در زیارت‌نامه امام رضا [ع] نیز از دیگر پژوهش‌های انجام‌شده در این عرصه است. پهلوان‌نژاد و رجب‌زاده (۱۳۸۹)، در پژوهشی براساس

نظریه کنش‌های گفتاری به بررسی متن شناختی این زیارت‌نامه پرداخته‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که کنش عاطفی، بیشترین تعداد را در این متن به خود اختصاص داده است که حاکی از ایجاد ارتباط عمیق عاطفی بین گوینده و مخاطب زیارت‌نامه است. به عبارتی، گوینده متن، تلاش می‌کند احساساتی از قبیل ارادتمندی، قدردانی و دوستی خویش را به شکل کنش‌های گفتاری با مخاطب خویش به اشتراک بگذارد.

مقاله «تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج البلاغه براساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری» نیز با هدف بررسی کنش‌های گفتاری در متون دینی انجام گرفته است. فضائی و نگارش (۱۳۹۰) در این مقاله، با استفاده از ترکیبی از نظریه کنش‌های گفتاری آستین و سرل به بررسی خطبه ۵۱ می‌پردازند و به این نتیجه می‌رسند که کنش گفتارهای اظهاری و ترغیبی به میزان زیاد و کنش گفتار عاطفی به میزان کمتری در این خطبه به کار برده شده است. به نظر می‌رسد دلیل این امر موضوع جنگ در مقاله و ویژگی گفتمان جنگی باشد.

آخرین پژوهش قابل توجه در این راستا، در خارج از ایران صورت گرفته است. شولمن (۲۰۰۱) در پژوهش خود با عنوان «اشکال امری و دوم‌شخص در متن عبری کتاب مقدس» به بررسی متن کتاب مقدس (عهد عتیق) پرداخته، تحلیلی کاربردشناسانه از دستوراتی ارائه می‌دهد که در آن‌ها از فعل‌های امری و فعل‌های خبری دوم‌شخص استفاده شده است. شولمن با تکیه بر نظریه کنش گفتار به این نتیجه می‌رسد که استفاده از فعل امر یا فعل خبری دوم‌شخص با خود، منظور خاصی را به همراه دارد و در موقعیت‌های مختلف در زبان عبری از هرکدام استفاده می‌گردد.

بیشترین شباهت این پژوهش، با مقاله شولمن (۲۰۰۱) است و نگارندگان کوشیده‌اند تا با استفاده از همان روش، فرامین موجود در قرآن را - البته با توجه به ویژگی‌های خاص زبان عبری - مورد کنکاش قرار دهند و در نهایت بازخورد آن در ترجمه را بررسی کنند. تفاوت میان تحقیق پیش‌رو با دیگر تحقیقات انجام گرفته بر روی کنش‌های گفتاری

در ایران، اهمیت و توجه خاصی است که نگارندگان به مقوله کنش‌های فراگفتاری در قرآن مبذول داشته‌اند، موضوعی که در نوع خود شایسته تحقیق بوده است.

۳- نظریه کنش‌های گفتاری

این اندیشه که ارتباطات زبانی در حقیقت نوعی کنش است قدمتی طولانی دارد. افلاطون در رساله کراتیلوس خود، که در سال ۳۹۰ قبل از میلاد نوشته شده است، به این موضوع اشاره می‌کند. او معتقد است گفتار، نوعی کنش است و کلمات، ابزارهایی هستند که به واسطه آن این کنش اتفاق می‌افتد. این نوع نگاه پیامدهایی مهم برای مطالعه زبان دارد. کارل بولر (۱۸۷۹-۱۹۶۳)، روانشناس و زبان‌شناس آلمانی، با توجه به نظریه افلاطون، الگویی ارائه داد که در آن زبان به مثابه یک ابزار موسیقی، به نام ارغنون، در نظر گرفته شده است. در این الگو، همان‌گونه که یک ساز موسیقی می‌تواند توسط کسی نواخته شود و مخاطبی داشته باشد؛ زبان نیز ابزاری است که به کارگیرنده و مخاطبی دارد. بنابراین، در هر کنش زبانی براساس نگرش بولر، کنشگر، ابزار و مخاطبی وجود دارد. نظریه بولر تأثیر زیادی بر نوع نگاه ما به زبان در حال حاضر داشته است. بعد از بولر کسان دیگری نیز به ارتباطات زبانی به مثابه کنش نگریسته‌اند. مهم‌ترین آن‌ها جان آستین، فیلسوف انگلیسی‌تبار است. نظریه کنش گفتاری را آستین (۱۹۶۰-۱۹۱۱) در کتابی تحت عنوان «چگونه کلمات کار انجام می‌دهند؟»، ارائه کرده است.

آستین معتقد است موقع صحبت کردن یا نوشتن ما کنش‌های مختلفی را انجام می‌دهیم: کنش بیانی^۶، کنش غیر بیانی^۷ و کنش فرا بیانی (کنش فراگفتاری)^۸. جمله «برو بیرون» را در نظر بگیرید. کنش بیانی، همان معنای ظاهری و دستوری جمله فوق است: یک جمله دستوری که از دو کلمه «برو» و «بیرون» ساخته شده است، «برو» فعل امر و «بیرون» قید مکان است. کنش غیر بیانی به نیت گوینده برمی‌گردد که در این‌جا قصد دستور دادن به مخاطب یا مخاطبان جمله را دارد. کنش فرا بیانی (فراگفتاری)، به خود عملی که در جهان

خارج اتفاق می افتد اشاره دارد. در جمله فوق اگر مخاطب این دستور، به واقع بیرون برود عملی فرایبانی (فراگفتاری) روی داده است.

۴- پیکره زبانی و روش تحقیق

در این تحقیق، نمونه‌های بررسی شده به دو قسمت اصلی تقسیم می‌شوند. قسمت اول را آیاتی تشکیل می‌دهند که در آنها از وجه امری برای القای دستور استفاده شده است که تعداد این آیات به ۵ مورد می‌رسد که به ترتیب شامل آیات ۶۷ سوره مائده، ۷۰ سوره احزاب، ۵ سوره مریم، ۹۷ سوره طه و ۲۸ سوره احزاب است.

قسمت دوم، اختصاص به آیاتی دارد که کنش بیانی آنها خبری، ولی کنش منظوری آنها، امری است. مفسران در مورد محتوای دستوری آیاتی که در این بخش مورد توجه قرار گرفته است، اتفاق نظر دارند. تعداد این آیات ۷ مورد است که شامل آیات ۳۰ سوره توبه، ۴ سوره بروج، ۲۲۸ سوره بقره، ۹۲ سوره نساء، ۷ سوره مریم، ۴۷ سوره یوسف و آیه ۱۱ سوره صف است.

در بررسی آیات مذکور، ابتدا ضمن ذکر آیه و ترجمه آن، نگارندگان می‌کوشند تا بافت آن آیه را بررسی و تحلیل کرده و در قالب آن، کنش‌های گفتاری و کنش‌های فراگفتاری وابسته به آنرا نیز به بحث گذارند. در مرحله بعد، تلاش خواهد شد تا بازتاب این کنش‌های فراگفتاری مطالعه شود.

در مرحله آخر نوبت به موضوع ترجمه می‌رسد. از آنجایی که مترجمان در هنگام ترجمه فعل‌های امر، روشی یکسان داشته‌اند، این موضوع نادیده گرفته شده و تنها به آیاتی پرداخته شده است که کنش بیانی آنها خبری؛ ولی کنش فرایبانی (فراگفتاری شان)، امری است. برای سنجش بهتر ترجمه‌ها، در برخی موارد اگر عباراتی مشابه در دیگر کتاب‌های مقدس وجود دارد، به بحث گذارده می‌شود و مقایسه‌ای میان شکل ترجمه انگلیسی قرآن و شکل ترجمه انگلیسی کتاب‌های مقدس صورت می‌گیرد.

۵- کنش‌های گفتاری در فرمان‌های قرآنی

یکی از نمودهای بارز کنش‌های گفتاری در قرآن، فرمان‌هایی است که در این کتاب مقدس ذکر می‌شود. در برخی از این فرمان‌ها از امر مستقیم استفاده شده است؛ ولی در برخی دیگر جملات خبری برای القای این فرمان‌ها به کاررفته است.

همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، اولین کسانی که به بحث در رابطه با این موضوع پرداختند، دانشمندان علم اصول بودند. آن‌ها می‌کوشیدند تا از متون دینی، احکام فقهی را استخراج کنند. به همین دلیل، برای آن‌ها مهم بود که بدانند آیا به‌غیر از افعالی با وجهیت امری، شکل دیگری از جملات برای القای فرمان‌های دینی وجود دارد یا خیر. باور دانشمندان علم اصول، این بود که امر در ذات خود دلالت بر فوریت یا عدم فوریت ندارد و اگر گوینده بخواهد فوریت آن را القا کند، باید قرینه‌ای را ذکر کند (قافی و شریعتی فرانی، ۱۳۸۸: ۱۲۵). این دانشمندان اعتقاد داشتند جملات خبری نیز می‌توانند کاربرد امری داشته باشد (قافی و شریعتی فرانی، بی‌تا: ۱۲۱ و ۱۲۲) ولی توجهی به تفاوت موجود میان دوگونه القای فرمان‌ها در امر نداشتند.

در ذیل، تفاوت‌هایی که میان دوگونه فرمان وجود دارد (آن‌هایی که با جملات امری بیان می‌شوند و آن‌هایی که با تکیه بر جملات خبری عنوان می‌گردند) تعیین می‌گردد. نکته مهم در این بخش، بررسی موضوع کنش‌های بیانی و نیز کنش‌های فراگفتاری فرمان‌های صادره در قرآن است.

۵-۱- استفاده از جملات یا پاره‌گفتارهای امری

۵-۱-۱- فوریت زایی (زمان زایی)

خداوند در آیه ۶۷ سوره مائده می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾ (ای پیامبر آنچه از جانب پروردگارت به‌سوی تو نازل شده ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده‌ای).

این آیه در شرایطی نازل می‌شود که افراد در منطقه غدیر خم جمع شده‌اند و حضرت پیامبر [ص] مکلف است که پیام خاص خداوند درباره ولایت حضرت علی [ع] را به اطلاع حضار برساند (سیوطی، ۲۰۰۳: ۳۸۳). اگر پیامبر [ص] در آن موقعیت زمانی و مکانی خاص که تعداد زیادی از افراد گرد هم آمده بودند، در ابلاغ پیام خداوندی تعلل می‌ورزید، فرصت لازم از دست می‌رفت.

با توجه به این آیه و بافت مرتبط با آن، به این نکته پی می‌بریم که کنش بیانی در این جا صرفاً طرح یک خواسته است؛ ولی در بعد فراگفتاری یا تأثیری خودش این گزاره، نوعی تأکید بر زمان‌دار بودن و فوریت‌زا بودن دارد یعنی اگر بعد فراگفتاری یا تأثیری این کنش مدنظر قرار نمی‌گرفت، به‌طور کل، هدفی که در صدور این دستور وجود داشت، از بین می‌رفت.

یکی از مهم‌ترین اهدافی که در استفاده از وجه امری استفاده می‌شود، ایجاد فوریت است. (Drumwright, 1980: 130) به عبارت دیگر، اگر فردی خواسته خویش را به صورت امر بیان می‌کند، در واقع به دنبال تحقق فوری آن است. به همین ترتیب، اگر از وجه امری برای القای دستوری استفاده شود، مخاطب می‌داند که در همان لحظه و به شکلی فوری باید آن را به انجام برساند؛ زیرا در غیر این صورت ممکن است ضرورت انجام فعل مشخص در زمانی دیگر از بین برود. به عنوان نمونه، معلم به دانش‌آموز می‌گوید: «از کلاس خارج شو». در این جمله، خارج شدن از کلاس باید در یک بازه زمانی خاص صورت گیرد. یعنی، دستور داده شده از سوی معلم، شرطی زمانی نیز دارد که اگر این شرط زمانی از بین برود، دیگر ضرورت انجام دستور از بین می‌رود. به عبارت دیگر، فرمان معلم باید در همان دقیقه انجام شود و اگر این موضوع صورت نپذیرد، دیگر ضرورتی برای انجام آن در وقتی دیگر نیست.

این قاعده (فوریت‌زایی) در بسیاری از آیات که مربوط به مبانی اسلام هستند، قابل مشاهده است. منظور از این آیات، همان‌هایی است که پذیرش آن‌ها پیش‌زمینه پذیرش

دیگر دستورات الهی است. به‌عنوان نمونه، تقوا داشتن و خداترس بودن، مقدمه‌ای برای پذیرش دیگر دستورات خداوند است. در این جا می‌توان به آیه ۷۰ سوره احزاب اشاره کرد که در آن حضرت باری تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا دارید و سخنی استوار گوید).

این آیه چنین القا می‌کند که پیش‌زمینه راست‌گویی، تقوای الهی است و اگر در تحقق آن فوریت لحاظ نشود، نمی‌توان امیدی به تحقق دیگر مسائلی که تابعی از آن محسوب می‌شوند، داشت.

پس می‌توان گفت که افعال، با وجه امری در خود، مفهوم فوریت دارند و چنین چند فعل امر، ترتیب فوریتشان را نشان می‌دهد. در قرآن، مفاهیم پایه‌ای، همچون تقوا و موارد دیگر با فعل امر بیان شده است تا فوریت آن‌ها مشخص شده، نشان داده شود که پایه هر کار خیر و خوبی، اعتقاد داشتن به این مفاهیم پایه‌ای و ضرورت انجام دادن آن است.

۵-۱-۲- تردیدزایی

صدور فرمان به شکل فعل امر می‌تواند با خود تردید را نیز به‌همراه داشته باشد. فردی که دستور را به شکل امر مستقیم بیان می‌کند، ممکن است نسبت به انجام آن تردید داشته باشد. این تردید ویژه مواردی است که در آن فرد، در موقعیت پایین اجتماعی و ارزشی از مخاطبی با موقعیت بالای اجتماعی و ارزشی، چیزی را درخواست می‌کند. در چنین موقعیتی، مخاطب می‌تواند امر صادرشده را نپذیرد. به‌عنوان نمونه به آیه ۵ سوره مریم نگاه کنید: ﴿وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا﴾ (و من پس از خویشتن از بستگانم بیمناکم و زخم نازاست پس از جانب خود ولی [و جانشینی] به من ببخش)

در این جا زکریا از خداوند متعال می‌خواهد تا وصی و جانشینی برای او قرار دهد؛ ولی اطمینانی از انجام این درخواست از سوی خداوند ندارد. به دیگر سخن، استفاده از فعل امر در حالتی که رابطه از پایین به بالا است، تردید به وجود می‌آورد.

کنش بیانی این عبارت، دلالت بر یک دستور است؛ ولی کنش فرایبانی (کنش فراگفتاری) آن به این شکل نیست؛ یعنی این که زکریا می‌داند که خداوند قدرت مطلق است و آن چه بیان می‌کند، صرفاً به صورت یک درخواست و تمنا به شمار می‌آید و طرف مقابل که از قدرت برخوردار است، توانایی رد یا قبول این درخواست را دارد. در کتاب‌های علم اصول نیز آمده است که در دستورات انسانی که مخاطب آن خداست، اجبار و الزامی وجود ندارد. به عبارتی، امر با خود تردیدزایی را به دنبال دارد.

۵-۱-۳- مخاطب زایی

یکی از کاربردهای امر مستقیم، تعیین مخاطب است. در حقیقت، این نوع فعل امر شخص خاصی را مشخص می‌کند و فرد دیگری در این حیطة جای نمی‌گیرد. به عنوان نمونه، وقتی به آیه ۹۷ سوره طه ﴿قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ﴾ (برو که بهره تو در زندگی این باشد که به هر که نزدیک تو آمد بگویی به من دست مزیند) می‌رسیم، روی سخن با شخص سامری است و فرد دیگری در این میان مطرح نیست. به دیگر سخن، کسانی که فریب سخنان او را خورده‌اند، جزء گروهی که باید از موسی و یارانش جدا شوند، نیستند.

همچنین، به آیه ۲۸ سوره احزاب توجه کنید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَوِّجَكِ أَنْ كُتِبَ لَكَ إِذْ دُخِنَ السَّجْدُ وَ زِينَتَاكِ وَ زِينَتُنَا وَ زِينَتُنَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحاً جَمِيلاً﴾ (ای پیامبر به همسرانت بگو اگر خواهان زندگی دنیا و زینت آنید بیایید تا مهرتان را بدهم و خوش و خرم شما را رها کنم).

در این آیه روی خطاب خداوند با شخص پیامبر [ص] است و به طور مستقیم ایشان را خطاب قرار داده، از آن حضرت می‌خواهد تا به زنان خود بگوید که در صورت طمع در حیات دنیا و زیبایی‌های آن، اجازه دارند تا به صورتی مناسب از ایشان جدا شوند. ضمناً این وظیفه بر عهده شخص دیگری نیست، بلکه خود پیامبر باید آن را به انجام برساند و فرد دیگری اجازه تذکر دادن به زنان رسول خدا را ندارد. در این راستا، لنگر

(Longacre, 2003: 119) می‌گوید فعل امر در روابط بینافردی روی می‌دهد و تعیین مخاطب، موضوعی ضروری تلقی می‌گردد.

۵-۲- استفاده از جملات یا پاره‌گفتارهای خبری

۵-۲-۱- جملات و افعال خبری ماضی

در آیه ۳۰ سوره توبه آمده است: ﴿قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾ (خدا بکشدشان تا کجا از حقیقت انحراف یافته‌اند).

در این جا فعل ماضی «قَاتَلَ» در معنای دعایی به کار رفته است. مشابه این موضوع را در آیه ۴ سوره بروج داریم، آن جا که می‌فرماید: ﴿قَاتِلْ أَصْحَابَ الْأُخْدُودِ﴾ (مرگ بر آدم‌سوزان خندق). در این جا نیز فعل ماضی در معنای امر (البته از نوع دعا) به کار رفته است. در این جا کنش بیانی این جملات خبری است؛ ولی کنش فراگفتاری (تأثیری) آن‌ها متفاوت است؛ یعنی از خداوند خواسته می‌شود تا این افراد را بکشد.

یکی از راه‌های بیان خواسته در زبان عربی استفاده از فعل ماضی است. این سنت هم در زبان عربی و هم در عبری دیده می‌شود. به اعتقاد وارن راتلین (arren-Rothlin, 2007) فعل ماضی در چنین موقعیت‌هایی برای رعایت ادب به کار می‌رود.

استفاده از این راهکار برای بیان خواسته، صرفاً مربوط به موقعیت دعایی است. در حالت، گوینده و شنونده از موقعیتی برابر با همدیگر برخوردار نیستند. در واقع، گوینده‌ای پایین‌دست، هنگام خطاب قرار دادن شنونده‌ای بالادست از آن استفاده می‌کند. به این جمله دقت کنید: «رزقک الله طغلا». در این جا، به گفته بشیرجلول (۲۰۱۱) با جمله‌ای خبری روبه‌رو هستیم که فعل آن ماضی است، ولی در زبان عربی برای القای مفهوم درخواست از آن استفاده می‌گردد.

۵-۲-۲- پاره‌گفتارهای خبری مضارع

۵-۲-۲-۱- فوریت‌زدایی (زمان‌زدایی)

به آیه ۲۲۸ سوره بقره نگاه کنید: ﴿وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ﴾ (و زنان طلاق داده‌شده باید مدت سه پاکی انتظار کشند). همان‌طور که مشاهده می‌کنید کنش بیانی این عبارت، خبری است؛ یعنی این که از ظاهر عبارت چنین برمی‌آید که زنان مطلقه، مدت سه پاکی را انتظار می‌کشند؛ ولی کنش فراگفتاری آن، متناظر به این است که هر وقت زنی طلاق گرفت، این دستور اجرا می‌شود و برخلاف دستوراتی که با فعل امر بیان می‌شود و در حالت طبیعی تابع زمان است، دستور بیان‌شده وابستگی به زمان ندارد. به دیگر سخن، خداوند حکمی را می‌دهد که از زمان صدور تا همیشه لازم‌الاجرا است. ضمن آن‌که این حکم برای هر زمانی که طلاق صورت گیرد، لازم‌الاجراست.

با توجه به آن‌چه گذشت، یکی از عوامل مهم در استفاده از فعل و جمله خبری، فوریت‌زدایی است؛ یعنی، در این شکل برخلاف جملات و افعال امری، فوریت مطرح نیست و دستور به زمانی خاص محدود نمی‌گردد. به‌عنوان نمونه اگر قانونی یا حکمی صادر گردد، به‌صورت جمله خبری می‌آید تا مشمول زمان نشود (Wallace and Buist, 1981: 204-5).

ویلیامز (۲۰۰۵: ۹۸)، در کتاب خود به این موضوع اشاره می‌دارد و از افزایش روزافزون استفاده از ساختار خبری در تدوین قوانین صحبت می‌کند و می‌گوید در مقایسه با انواع دیگر جملات که در آن‌ها از وجهیت‌نماهای مختلف استفاده می‌شود، به‌کارگیری ساختار خبری بیشتر است و این نوع ساختار، تقریباً جای دیگر موارد را می‌گیرد. وی در مورد فراگیری جملات خبری در متون حقوقی و قانونی معتقد است که استفاده از آن، برای حذف محدودیت‌های زمانی در آن است. اسپری (۲۰۰۳) نیز اعتقاد دارد که به‌کارگیری جمله خبری، آینده را مدنظر قرار می‌دهد.

۵-۲-۲-۲-مخاطب زدایی

به آیه ۹۲ سوره نساء توجه کنید: ﴿وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ﴾ (هر کس مؤمنی را به اشتباه کشت باید بنده مؤمنی را آزاد کند). در این جا خطاب، عام است و تمامی کسانی را که به قتل غیر عمد دست بزنند، شامل می‌شود؛ یعنی هیچ چیزی در آن محدود نشده است. یکی دیگر از اهدافی که در استفاده از فعل و جمله خبری برای القای مفهوم امر استفاده می‌گردد، تعیین زدایی در خصوص مخاطب است (Boyer، ۱۹۸۷: ۳۵ - ۵۴)؛ یعنی چون قانون شامل همه افراد می‌گردد دیگر مخاطب خاص مدنظر نیست و حال آن‌که جملات امری این مخاطب، مشخص است.

به‌عنوان نمونه وقتی می‌گوییم: «خانم یا آقای فلانی برای رفع اشکال به اتاق شماره فلان مراجعه کنند.» یک مخاطب خاص مدنظر است؛ ولی وقتی در یک اطلاعیه می‌آید: «دانشجویان ارشد، ۵ ترم برای دفاع فرصت دارند.» دیگر شخص خاصی مدنظر نیست و این خطاب، شکل عمومی به خود گرفته و از زمان صدور تا زمان لغو را در برمی‌گیرد. حدیثی به نقل از پیامبر اسلام [ص] نقل شده که در آن آمده است: «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ» (طوسی، ۱۴۱۰: ص ۳۷۱) در این جا فرد خاصی مدنظر نیست؛ بلکه یک طیف گسترده از افراد که بر آن‌ها نام «مؤمن» اطلاق می‌گردد، است. شاید بتوان گفت که در استفاده از وجه خبری برای القای مفهوم امر، بیش از آن‌که مخاطب مهم باشد، خود همان دستور مهم است. به دیگر سخن، اهمیت ندارد که هویت دریافت‌کننده دستور چیست؛ بلکه آن چیزی که اهمیت می‌یابد، همان اجرای متن دستور است.

۵-۲-۲-۳-اطمینان‌گوینده به اجرای فرمان

در سوره مریم، خداوند ماجرای حضرت زکریا را ذکر می‌کند و می‌گوید که آن حضرت بعد از صحبت کردن درباره پیری خویش و نازا بودن همسرش، از باری تعالی می‌خواهد تا فردی را به‌عنوان جانشین برایش انتخاب نماید. در آیه ۷ سوره مریم آمده است: ﴿يَا

زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا ﴿۱۳۰﴾ (ای زکریا ما تو را به پسری که نامش یحیی است مژده می‌دهیم که قبلاً هم‌نامی برای او قرار نداده‌ایم).

در این جا حضرت زکریا وعده فرزنددار شدن را از خداوند دریافت می‌کند. باری تعالی در این آیه خبر از به دنیا آمدن کودک می‌دهد و سپس برای این که اراده خویش را برای نام‌گذاری به زکریا اعلام بدارد، می‌گوید «نام این فرزند یحیی است».

ظاهر عبارت «نام این فرزند یحیی است» خبری است؛ یعنی کنش بیانی آن نشانگر خبری بودن آن است؛ ولی کنش فرایبانی (فراگفتاری) آن امری است. در این آیه، کنش فراگفتاری آن اطمینان نسبت به اجرای فرمان است و این که زکریا حق ندارد نام دیگری برای این فرزند انتخاب نماید. در واقع، در آیه فوق چون خداوند متعال از به دنیا آمدن فرزند اطمینان دارد و می‌داند که این اتفاق روی خواهد داد و از طرف دیگر، به این نکته آگاه است که دستورش از سوی مخاطب اجرا می‌شود، از این روش برای امر کردن استفاده می‌نماید.

یکی از عواملی که باعث می‌شود تا گوینده از ساختار خبری استفاده نماید، اطمینان نسبت به اتفاقی است که در آینده می‌افتد. گوینده نسبت به تحقق امر و فرمان خویش در آینده مطمئن است و به همین خاطر از جملات خبری استفاده می‌نماید. به عنوان نمونه، پدر به کودک خود می‌گوید: «به خانه آقای فلانی می‌روی و به او می‌گویی که پدرم منتظر شما است.» در این جا پدر به حدی از قدرت خویش آگاه است که خواسته خود را در حکم امری انجام‌شده، تلقی می‌کند و به صورت خبری از آن صحبت می‌نماید.

به آیه دیگری اشاره می‌کنیم. براساس آنچه در آیه ۴۷ سوره یوسف آمده، این پیامبر به اهالی مصر می‌گوید: ﴿تُرْزَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ ذَا بَأْسٍ﴾ (هفت سال پی‌درپی می‌کارید) و از آن‌ها می‌خواهد که هفت سال پرباران را کشت کنند. در این آیه، موضوع، به اتفاقی در آینده بازمی‌گردد. یوسف می‌گوید که هفت سال پرباران و هفت سال خشک در پیش است و با

توجه به آن که می‌داند مصری‌ها در تفسیر خواب پادشاه خویش عاجزند و حرف‌های او را به خوبی گوش می‌دهند و از او راهنمایی می‌خواهند، از چنین راهکاری استفاده می‌نماید.

به آیه ۱۱ سوره صف نگاهی می‌کنیم: ﴿تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (به خدا ایمان می‌آورید و در راه خدا با مال و جانان می‌جنگید. این برای شما بهتر است، اگر بدانید).

در آیه پیشین یعنی در آیه ۱۰ سوره صف خداوند خطاب به افراد می‌گوید که «ای مؤمنان آیا می‌خواهید که شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک نجات می‌بخشد؟» در آیه ۱۱ توصیه‌ها بیان می‌گردد. آیه ۱۱ در نظر مفسران از جمله آلوسی، خبری است که دلالت بر امر دارد. در این آیه، خداوند متعال می‌داند که دستورش برای کسانی که ایمان دارند، لازم‌الاجرا تلقی می‌شود و به‌همین خاطر، از وجه خبری استفاده کرده است.

با توجه به آن چه گفته شد، شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که استفاده از جملات یا پاره‌گفتارهای خبری برای القای مفهوم امر، تنها در صورتی استفاده می‌شود که فرد از یک طرف قدرت بیشتر و از طرف دیگر آگاهی تام به وقوع امرش داشته باشد.

استورجیس (۲۰۱۳: ۳ - ۱۲) نیز، استفاده از شکل‌های خبری را الگویی خشن از فرمان دادن، برمی‌شمارد و می‌گوید به‌کارگیری این الگو زمانی جایز است که فرمان دهنده (گوینده) از موقعیت بسیار بالای اجتماعی همچون امپراتوری برخوردار باشد. وی معتقد است در حالتی که امپراتور به‌چیزی علاقه‌مند و خواهان موضوعی است، فقط کافی است که پیروان خود را از آن موضوع آگاه نماید تا به‌این ترتیب، فرمانش را به انجام برسانند. به‌عنوان نمونه می‌توان به این عبارت اشاره کرد: میل ملوکانه بر این امر قرار گرفته است.

به دیگر سخن، هیچ‌وقت متکلم فرودست از مخاطب فرادست خویش، چنین چیزی را نمی‌خواهد. مثلاً هیچ‌وقت بنده، هنگام درخواست کردن از خداوند از چنین راهکاری

استفاده نمی‌نماید؛ زیرا چنین کاری نشان‌دهنده اجبار و عدم اختیار است و به گفته براون و لوینسن (۱۹۸۷)، این مسئله می‌تواند وجهه شنونده را دچار لطمه نماید.

۶- برخورد مترجمان با دو نوع فرمان

بررسی انجام‌شده، حکایت از آن دارد که در فرامین دسته اول که در آن از افعال امری استفاده گردیده است، مترجمان، رویکردی واحد دارند، اما رویکرد آن‌ها هنگام برخورد با فرامینی که ساختار خبری دارند، متفاوت است. برای بررسی نوع برخورد مترجمان انگلیسی با این موضوع، ترجمه چهار مترجم برجسته به نام‌های قریب، شاکر، پیکتال و یوسف علی انتخاب شد. انتخاب ترجمه این افراد جهت بررسی، به آن جهت بود که از گسترش و شهرت فراوان‌تری نسبت به دیگر ترجمه‌ها برخوردار هستند.

۶-۱- ﴿قَاتِلْهُمْ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾ (توبه/ ۳۰)

در این آیه مترجمان راهکارهای متفاوتی را در پیش گرفته‌اند. قریب، آن را خبری ترجمه کرده است. شاکر در ترجمه آن از وجه تمنایی استفاده کرده است. پیکتال نیز، ساختار خبری را ترجیح داده است. یوسف‌علی نیز وجه تمنایی را ترجیح داده است.

Qarib: Allah fights them! How perverted are they!

Shakir: may Allah destroy them; how they are turned away!

Pickthall: Allah (Himself) fighteth against them. How perverse are they!

Yusufali: Allah's curse be on them: how they are deluded away from the Truth!

با مراجعه‌ای به وجه تمنایی در زبان انگلیسی و به‌طور مشخص در بافت‌های دینی، مشاهده می‌کنیم که آن‌ها از May استفاده می‌کنند و به‌عنوان نمونه می‌توان به عبارت May god bless you اشاره کرد. اگر بخواهیم از خداوند درخواستی را داشته باشیم و بخواهیم جنبه فرمانی و دستوری نداشته باشد؛ بلکه بعد تمنایی به خود بگیرد از همین فرمول استفاده می‌نماییم (Paul Portner, ۲۰۰۹: ۱۴۹).

بررسی کنش‌های فراگفتاری در دو نوع متفاوت از فرامین قرآنی ... _____ سید علی‌اصغر سلطانی و مهدی مقدسی‌نیا

۶-۲- ﴿قَتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ﴾ (بروج / ۴)

در این آیه، قریب، ساختار خبری را برگزیده و همان ظاهر آیه را مورد توجه قرار داده است. پیکتال نیز، ساختار خبری را انتخاب کرده است. اما شاکر و یوسف‌علی، وجه تمنایی را برای این امر برگزیده‌اند.

Qarib: The companions of the pit were killed

Shakir: Cursed be the makers of the pit,

Pickthall: (Self-)destroyed were the owners of the ditch

Yusufali: Woe to the makers of the pit (of fire),

۶-۳- ﴿وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ﴾ (بقره / ۲۲۸)

در این آیه، چهار مترجم یعنی قریب، شاکر، پیکتال و یوسف‌علی، این جمله را با استفاده از فعل کمکی که دلالت بر اجباری بودن کنش است، ترجمه کرده‌اند. در واقع، آن‌ها به این نکته پی برده‌اند که در این جمله به هیچ وجه، کنش بیانی با کنش فرایبانی (کنش فراگفتاری) آن هم‌خوانی ندارد و به دیگر سخن، وجهیت عینی^۹ (آنچه از ظاهر یک گزاره برداشت می‌شود) با وجهیت ذهنی^{۱۰} (آنچه در ذهن گوینده از بیان آن اراده می‌گردد)، تفاوت دارد و هم‌خوانی بین وجهیت عینی‌اش با وجهیت ذهنی‌اش دیده نمی‌شود. پس باید به گونه‌ای ترجمه شود که وجهیت ذهنی را بازخورد دهد. به ترجمه‌ها نگاه کنید:

Qarib: divorced women shall wait by themselves for three periods

Shakir: and the divorced women should keep themselves in waiting for three courses

Pickthall: women who are divorced shall wait, keeping themselves apart, three (monthly) courses

Yusufali: divorced women shall wait concerning themselves for three monthly periods

در ترجمه‌های بالا به جز شاکر که از should استفاده کرده، بقیه shall را انتخاب کرده‌اند. غالباً آن چیزی که در دستور زبان‌ها گفته می‌شود، این است که shall برای آینده به کار می‌رود (Head, ۱۸۵۸) و با توجه به همین موضوع shall برای این فرمان که برای لحظه نزول وحی و پس از آن - تا قیامت - صادر شده، بهتر است.

در ترجمه ده فرمان حضرت موسی (ع) به زبان انگلیسی نیز از shall استفاده شده است که احتمالاً می‌تواند مهر تأییدی برای این موضوع باشد. در متون حقوقی و قراردادهای نیز از shall استفاده می‌شود. در این میان می‌توان پیشنهاد دیگری را نیز مطرح کرد که آن‌هم استفاده از must است که عالی‌ترین نوع اجبار را بیان می‌کند. در واقع، چون فرمان از جانب خدا است مترجم می‌تواند از این فعل کمکی نیز استفاده نماید.

۴-۶- ﴿قَالَ تَزْرَعُونَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُتْبِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ﴾

(یوسف / ۴۷)

در این آیه، هر چهار مترجم انگلیسی، یک روش را پیش گرفته‌اند و کلمه shall را به کار برده‌اند که البته می‌تواند القاکننده بایستگی برای پیش گرفتن راه حل نیز باشد.

Qarib: he replied: 'you shall sow for seven years as is your way

Shakir: he said: you shall sow for seven years continuously

Pickthall: he said: ye shall sow seven years as usual

Yusufali: (joseph) said: "for seven years shall ye diligently sow as is your wont

از آنجایی که داستان حضرت یوسف - در ابتدا - در کتاب تورات ذکر شده است، شاید مراجعه به این کتاب و بررسی شیوه مترجمان در برخورد با دیالوگ جاری میان این پیامبر الهی با پادشاه مصر، بتواند کارگشا باشد. وقتی به سفر پیدایش، باب ۴۱ و آیه ۳۵ از کتاب تورات نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که در آنجا، یوسف خطاب به فرعون و اهل مصر که از او راهنمایی می‌خواهند، چنین می‌گوید:

יִקְבְּצוּ אֶת כָּל אֲכָל הַשָּׁנִים (باید جمع‌آوری کنند در این سال‌ها، تمامی غذا را)

فعل عبری به کاررفته در این قسمت، یعنی יִקְבְּצוּ از حرف واو، یای مضارع، قبص (به معنای گرفتن و جمع کردن و هم‌معنای قبض) و «واو»، نشانه جمع، تشکیل شده است. این فعل که خبری است، همراه «واو» آمده است که البته این «واو» وقتی بر سر فعل مضارع بیاید، آن را به ماضی تبدیل می‌کند (Walker-Jones، ۲۰۰۳، ۵۰). در این جا ظاهر

بررسی کنش‌های فراگفتاری در دو نوع متفاوت از فرامین قرآنی ... _____ سید علی‌اصغر سلطانی و مهدی مقدسی‌نیا

فعل، خبری است؛ ولی مفهوم جمله در اصل فرمان دادن است و مترجمان تورات در ترجمه این آیه، از همان فعل کمکی shall استفاده کرده‌اند و چنین نوشته‌اند که باید آن‌ها در این سال‌ها غذا را جمع‌آوری کنند. این ترجمه می‌تواند مهر تأییدی بر ترجمه انگلیسی موجود از آیه قرآن نیز باشد.

۵-۶- ﴿يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَىٰ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا﴾ (مریم / ۷)

در ترجمه این آیه، سه مترجم از shall استفاده کرده و مفهوم فرمان را القا نموده‌اند. در این میان پیکتال، جمله را به همان صورت خبری ترجمه نموده و در القای این مفهوم به شکلی ناقص عمل کرده است. با توجه به توضیحاتی که در بالا گذشت، این جمله خبری، حکایت از یک فرمان دارد.

Qarib: 'o zachariah, we give you good tidings of a son, and he shall be called john (yahya)

Shakir: o zakariya! surely we give you good news of a boy whose name shall be yahya

Pickthall: (it was said unto him): o zachariah! lo! we bring thee tidings of a son whose name is john

Yusufali: (his prayer was answered): o zakariya! we give thee good news of a son: his name shall be yahya

در انجیل لوقا و در هنگام ذکر ماجرای ظهور فرشته خداوند بر زکریا و دادن وعده تولد فرزند، در متن یونانی از فعل خبری استفاده شده است، در ترجمه انگلیسی متن انجیل که در آیه ۱۳ از باب یکم به آن پرداخته شده، از همان فعل shall در ترجمه استفاده گردیده است. این نشانه تأیید درک درست مترجمان انگلیسی قرآن است.

۶-۶- ﴿مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ﴾ (نساء / ۹۲)

در ترجمه این آیه، مترجمان انگلیسی هرکدام راه خاصی را پیش گرفته‌اند که در دو مورد از فعل کمکی should، در یک مورد از فعل امر و در یک مورد از فعل کمکی must استفاده گردیده است. از آنجایی که فعل امر، دلالت بر فوریت دارد، استفاده از این گزینه

در ترجمه، احتمالاً مناسب نیست. در این جا کلمه *must* می تواند کلمه مناسبی باشد؛ زیرا بر اجبار بیشتری دلالت می نماید.

Qarib: whosoever kills a believer in error, let him free a believing slave

Shakir: and whoever kills a believer by mistake, he should free a believing slave

Pickthall: he who hath killed a believer by mistake must set free a believing slave

Yusufali: if one (so) kills a believer, it is ordained that he should free a believing slave

همان طور که در بالا نیز اشاره شد، یکی از راهکارها در ارزیابی ترجمه متون دینی، بررسی شیوه برخورد مترجمان با وضعیت مشابه است. برای همین منظور، به متن ده فرمان مراجعه می کنیم که در آن خداوند ده فرمان اساسی را برای هدایت قوم یهود، بیان کرده و این قوم باید خود را از زمان صدور فرامین تا ابد، ملزم به رعایت آن می دانستند. ده فرمان را در باب ۲۰ سفر خروج و در باب پنجم سفر تثبیه می بینیم که در ترجمه دستورات و جمله فرامین از فعل *shall* استفاده شده است.

۶-۷ - ﴿تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (صف/۱۱)

در ترجمه این آیه، یوسف علی ساختار خبری موجود در متن اصلی را به همان صورت منتقل کرده؛ ولی بقیه از کلماتی همچون *shall* و *should* بهره جستند.

Qarib: You shall believe in Allah and His Messenger and struggle for His Way with your possessions and yourselves. That is better for you, if you but knew.

Shakir: You shall believe in Allah and His Messenger, and struggle hard in Allah's way with your property and your lives; that is better for you, did you but know!

Pickthall: Ye should believe in Allah and His messenger, and should strive for the cause of Allah with your wealth and your lives. That is better for you, if ye did but know.

Yusufali: That ye believe in Allah and His Messenger, and that ye strive (your

utmost) in the Cause of Allah, with your property and your persons: That will be best for you, if ye but knew!

۷- نتیجه‌گیری

از آنجایی که در قرآن با دو نوع از فرمان‌ها روبه‌رو هستیم که دسته‌ای از آن به‌صورت امر مستقیم (جملات امری) و امر غیرمستقیم (جملات خبری) است، این پرسش دغدغه اصلی نگارندگان بود که چه تفاوتی میان این دو نوع از فرمان‌ها وجود دارد.

نتایج نشان می‌داد که تفاوت این دو، در سه عامل مهم تقابلی «فوریت‌زایی و زمان‌زایی - فوریت‌زدایی و زمان‌زدایی»، «مخاطب‌زایی - مخاطب‌زدایی» و «تردید‌زایی - تردید‌زدایی» است که وابسته به کنش‌های فرایبانی گوینده است.

در جملات امری، گوینده درصدد القای یکی از این اهداف است: فوریت‌زایی، مخاطب‌زایی و تردید‌زایی. برخلاف آن‌چه در اصول فقه آمده است، گوینده به‌هنگام استفاده از امر می‌خواهد فوریت یا زمانی را برای خواسته خود ایجاد کند و اگر خلاف آن را اراده نماید، قیدی به جمله خود اضافه می‌کند. به دیگر سخن، امر افاده فوریت می‌کند و تابع زمانی را برای یک خواسته به‌وجود می‌آورد.

در استفاده جملات امری، تعیین مخاطب بسیار مهم است و گوینده درصدد تعیین آن برمی‌آید تا حیطه امر، مرزهای دقیق‌تری به خود بگیرد. غالباً فعل‌های امری در روابط بینافردی استفاده می‌شوند.

در استفاده از فعل امر، تردید وجود دارد، به‌ویژه اگر رابطه گفتگو میان یک مقام پایین‌تر به‌عنوان گوینده و یک مقام بالاتر به‌عنوان مخاطب باشد. ضمناً استفاده از فعل امر در زبان عربی بین دو طرفی که هم‌تراز یا ناهم‌تراز باشند، روی می‌دهد و در زبان عربی مانعی در استفاده از آن، از سوی فرودست وجود ندارد.

جملات خبری برخلاف جملات امری، غالباً در بیان قوانین، مورد استفاده قرار می‌گیرند، تا به‌این ترتیب، فوریت از بین برود و حالت تداوم در اجرای یک فرمان باقی

بماند. پس زمان‌زدایی و فوریت‌زدایی یکی از ویژگی‌هایی است که گوینده در هنگام بیان قوانین از آن سود می‌برد. در جملات خبری که برای القای مفهوم فرمان و امر به‌کار می‌رود، مخاطب زایی نیز صورت می‌گیرد و فرد خاصی مدنظر نیست. به دیگر سخن، هرکسی می‌تواند مشمول قانون باشد.

ضمناً فرمانی که به‌صورت جمله خبری بیان می‌شود، حکایت از یقین گوینده نسبت به تحقق خواسته‌اش دارد و بیان امر - آن‌هم به این شکل - نشان از قدرت و آگاهی فرد امر کننده دارد. از سوی دیگر، هیچ‌گاه فردی که در جایگاه پایین‌تر قرار می‌گیرد، از آن، در مورد مخاطب خویش که مقام بالاتری دارد، استفاده نمی‌نماید. به دیگر سخن، استفاده از آن به‌صورت یک‌سویه است؛ یعنی فقط مخاطب بالادست و برتر آن را به‌کار می‌گیرد. در ترجمه‌های انجام‌گرفته از دو نوع فرمان، به این نکته می‌رسیم که نویسندگان، غالباً در برگردان عبارات خبری که متضمن مفهوم امر هستند، تقریباً شیوه‌ای واحد برگزیده‌اند و به‌جز مواردی اندک، استفاده از shall را به‌عنوان راهکار خویش برای ترجمه انتخاب کرده‌اند. استفاده از must & should هم، دیگر راهکارهای مورد استفاده آن‌ها است که البته با توجه به این‌که shall از نظر زمانی مربوط به «آینده» می‌شود و تابع زمانی ندارد، می‌تواند گزینه مناسبی باشد.

در ترجمه عبارات خبری دعایی که البته فعل ماضی در آن به‌کاررفته، شیوه مترجمان متفاوت بوده است. برخی از آنان وجهیت تمنایی (تمنا از خداوند) که در زبان انگلیسی غالباً از May برای بیان آن استفاده می‌شود، به‌کاربرده‌اند. برخی دیگر اما ترجیح داده‌اند که همان ساختار خبری را مورد استفاده قرار دهند.

۸- پی‌نوشت‌ها

۱- این مقاله مرتبط با طرح پژوهشی «گونه‌شناسی مطالعات کاربردشناختی و تحلیل گفتمانی قرآن» است که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در حال اجراست.

2- modality / mood
5- Jussive

3- Indicative
6- locutionary act

4- Imperative
7- illocutionary act

بررسی کنش‌های فراگفتاری در دو نوع متفاوت از فرامین قرآنی ... _____ سید علی‌اصغر سلطانی و مهدی مقدسی‌نیا

8- perlocutionary 9- objective modality 10- subjective modality

۹- منابع

منابع فارسی

- ۱- پهلوان نژاد، محمدرضا و رجب‌زاده، مهدی، «تحلیل متن زیارت‌نامه حضرت امام رضا بر پایه نظریه کنش گفتاری»، *فلسفه و کلام*، س ۴۲، پاییز و زمستان، صص ۳۷ - ۵۴، (۱۳۸۹ش).
- ۲- ساجدی، ابوالفضل، «نظریه کنش گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن»، *قبسات*، پاییز، شماره ۲۵، ۱۲۲ - ۱۳۰، (۱۳۸۱ش).
- ۳- فضائلی، سیده‌مریم و نگارش، محمد، «تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج‌البلاغه براساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری»، *مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث*، س ۴۳، بهار و تابستان، ص ۸۱ - ۱۱۸، (۱۳۹۰ش).

منابع عربی

- ۴- ابن‌جنی، المنصف شرح کتاب التعریف ج ۱، تحقیق ابراهیم مصطفی و عبدالله امین، قاهره: البابي الحلبي، (۱۹۵۴م).
- ۵- ابن‌حزم، الإحكام فی أصول الأحكام ج ۳، تحقیق احمد محمد شاکر، بیروت: دار الآفاق الحديثة، (۱۹۸۰م).
- ۶- بشیر، جلول «التحويل الزمني للفعل الماضي فی العربية»، *مجلة المخبر*، شماره ۶، (۲۰۱۱م).
- ۷- بن فارس، ابی‌الحسین احمد، *الصاحبي فی فقه اللغة و سنن العرب فی کلامها*، بیروت: مؤسسة بدران للطباعة والنشر، (۱۹۶۳م).
- ۸- زرکشی، محمد بن عبدالله بن بهادر، *البرهان فی علوم القرآن* ج ۳، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، القاهرة: مكتبة دار التراث، (۱۹۵۷م).
- ۹- زرکشی، محمد بن عبدالله بن بهادر، *البحر المحيط فی اصول الفقه* ج ۲، تحقیق: محمد محمد تامر، قاهره: دارالکتب العلمیة، (۲۰۰۰م).
- ۱۰- زمخشری، جار الله، *تفسیر الکشاف* ج ۱، تحقیق: خلیل مامون شیخا، بیروت: دار المعرفة، (۲۰۰۲م).

- ۱۱- سیوطی، جلال الدین، *قطف الازهار فی كشف الاسرار* ج ۱، قطر: وزارة الاوقاف والشؤون الإسلامية، (۱۹۹۴م).
- ۱۲- سیوطی، جلال الدین، *الاتقان فی علوم القرآن* ج ۲، تحقیق: محمد سالم هاشم، بیروت: دار الکتب العلمیة، (۲۰۰۳م).
- ۱۳- سیوطی، جلال الدین، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور* ج ۵، القاهرة: مرکز هجر للدراسات العربیة والإسلامیة، (۲۰۰۳م).
- ۱۴- شاکر مجید، محمود، «ورود صیغة الخبر بمعنی الأمر والنهی عند الأصولیین» *مجلة جامعة تکریت للعلوم الإنسانیة*، شماره ۹، (۲۰۰۸م).
- ۱۵- شوکانی، محمد بن علی، *فتح القادیر* ج ۱، بیروت: دارالکتبیر، (۲۰۰۷م).
- ۱۶- شیخ الطوسی، تهذیب الأحکام، بیروت: دار التعارف، (۱۴۱۰هـ).
- ۱۷- عطار، حسن، *حاشیة العطار علی جمع الجوامع* ج ۲، بیروت: دار الکتب العلمیة، (بی تا)
- ۱۸- قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن* ج ۲، تحقیق: صدقی جمیل و عرفان العشا، بیروت: دارالفکر، (۱۹۹۹م).
- ۱۹- کفوی، ابی البقاء ایوب بن موسی، *الکلیات: معجم فی المصطلحات والفروق اللغویة*، تحقیق: عدنان درویش و محمد مصری، دمشق: مؤسسة الرسالة، (۱۹۹۸م).

منابع لاتین

- 20- Abdul-Raof, Hussein, *Arabic Rhetoric: A Pragmatic Analysis*, NY: Routledge. (2006)
- 21- Asprey, Michele, *Plain Language for Lawyer*,. Annandale NSW: The Federation Press. (2003)
- 22- Austin, J. L., *How to do Things with Words*, Oxford: Clarendon. (1962)
- 23- Boyer L. James, "A Classification of Imperatives: A Statistical Study", *Grace Theological Journal* 8(1): 35 – 54. (1987)
- 24- Brown, P., and Levinson S.C., *Politeness: Some universals in language usage*, Cambridge: Cambridge University Press. (1987)
- 25- Bussmann, Hadumod, *Routledge Encyclopedia of Language and Linguistics*. Translated and edited by Gregory P. Trauth and Kerstin Kazzazi, London and New York: Routledge. (1996)
- 26- Drumwright H. L., *An Introduction to New Testament Greek*, Nashville: Broadman. (1980)
- 27- Halliday, M.A.K., *An Introduction to Functional Grammar*, London: Arnold. (1994)

- 28- Head, E. W, "Shall" and "Will"; or, 2 chapters on future auxiliary verbs: to which are added, 1. An essay on certain affirmative and negative particles in the English language. 2. An essay on the provincial word "songle. Murray. (1858)
- 29- Longacre E. Robert, *Joseph: A Story of Divine Providence*, IN: Eisenbrauns. (2003)
- 30- Portner, P, *Modality* (Vol. 1), Oxford University Press. (2009)
- 31- Searle, J. *Corpus, Concordance, Collocations*, Oxford: Oxford University Press (1969)
- 32- Shulman Ahouva, "Imperative and Second Person Indicative Forms in Biblical Hebrew Prose", *Hebrew Studies* 42: 271-287. (2001)
- 33- Sturgis, James Wellings, *The Second Person Singular of the Latin Future Indicative as an Imperative*, London: Forgotten Books. (2013)
- 34- Walker-Jones, Arthur, *Hebrew for Biblical Interpretation*, GA: the Society of Biblical Literature. (2003)
- 35- Wallace, Daniel Baird and Buist, Martin Fanning, *Selected Notes on the Syntax of New Testament, Greek*: Grace Theological Seminary. (1981)
- 36- Warren-Rothlin A, "Politeness Strategies in Biblical Hebrew and West African Languages", *Journal of Translation* 3(1): 55-71. (2007)
- 37- Williams Christopher, *Tradition and Change in Legal English: Verbal Construction in Prescriptive Texts*, Bern: Peter Lang. (2005)